

# پرتویی از زبان‌شناسی شناختی اجتماعی بر فرهنگ نگاری

فاطمه یوسفی‌راد<sup>۱</sup>

سید محمود منشرعی<sup>۲</sup>

## چکیده

زبان‌شناسی شناختی اجتماعی یکی از جدیدترین رویکردهای کاربرد-بنیاد به مطالعه زبان و تنوعات اجتماعی آن است که در دهه‌های اخیر با هم‌گرایی زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی ایجاد شده است و رسالت آن مطالعه شناختی زبان در انواع تنوع‌اتش است. از سوی دیگر، فرهنگ نگاری از کاربردی‌ترین و مفیدترین دستاوردهای زبان‌شناسی است که هدفش ثبت زبان و تولیداً تلاش برای استاندارد کردن زبان است. اما چگونه می‌توان این دو نگاه را که، اولی به دنبال مطالعه تنوع (و بنابراین واگرایی)، و دومی به دنبال ثبت و استانداردسازی زبان (و بنابراین هم‌گرایی) است، با هم جمع کرد؟ این مقاله پس از معرفی اجمالی چارچوب زبان‌شناسی شناختی اجتماعی، به معرفی و مقایسه رویکردهایی می‌پردازد که در این چارچوب بر روی فرهنگ نگاری انجام شده است.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌شناسی شناختی اجتماعی، فرهنگ نگاری، تنوعات زبانی، رویکرد کاربرد-

محور

## ۱- مقدمه

پرسی که نگارندگان در این پژوهش به دنبال یافتن جوابی برای آن بوده‌اند این است که با توجه به تغییر و پویایی زبان، هم در محور عمودی، یعنی در گذر زمان، و هم در محور افقی، یعنی با توجه به متغیرهای اجتماعی و اینکه تغییر، یک اصل ثابت و همیشگی در زبان بوده و هست، وظیفه فرهنگ‌نگار<sup>۳</sup> در رویارویی با این تغییر و تنوعات زبانی<sup>۴</sup> چیست. نویسندگان در این مقاله تلاش می‌کنند تا برای این پرسش از چشم انداز زبان‌شناسی شناختی اجتماعی<sup>۵</sup> پاسخ مناسبی بیابند. در تلاش برای پاسخ به این پرسش، لزوماً درگیر پرسش کلی‌تری می‌شویم که خود زبان را چگونه باید تعریف کرد. در این راستا، شایسته است بحث خود را با ارجاع به پژوهشی از پدر زبان‌شناسی اجتماعی، ویلیام لباو، آغاز کنیم.

f\_yousefirad@pnu.ac.ir

<sup>۱</sup> استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

<sup>۲</sup> دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

m.motesharrei@gmail.com

<sup>۳</sup> lexicographer

<sup>۴</sup> language variation

<sup>۵</sup> cognitive sociolinguistics

ویلیام لباو (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «از اجتماع به عنوان مرکز شناخت اجتماعی چه می‌توان آموخت»<sup>۱</sup>، به این پرسش می‌پردازد که داده‌هایی که کودک در جریان تبدیل شدن به گویشور یک زبان به آنها توجه می‌کند کدامند. او در پاسخ به پرسش خود می‌گوید که توانایی زبان‌آموزی در انسان «متماثل به بیرون»<sup>۲</sup> است، یعنی هدف، فراگیری الگوهای کلی مورد استفاده در جامعه گفتاری است. لازم به ذکر است که لباو این مقاله را در کنفرانس زبان‌شناسی شناختی اجتماعی که در سال ۲۰۱۰ برگزار شد ارائه کرده است. لباو در مقدمه مقاله خود خاطر نشان می‌کند از آنجا که عنوان کنفرانس، زبان‌شناسی شناختی اجتماعی است، شایسته می‌داند در مقاله‌اش به نقش شناخت در فعالیت‌های زبان‌شناسی اجتماعی بپردازد. او معتقد است مطالعه تغییرات در حال وقوع در یادگیری الگوهای زبانی در جامعه نشان می‌دهد که کودکان چگونه سخن گفتن را از والدین خود می‌آموزند، سپس یاد می‌گیرند که متفاوت از والدین خود صحبت کنند و آنگاه به شیوه‌ای رازگونه این تغییرات طی نسل‌ها ادامه پیدا می‌کند (لباو، ۲۰۱۴: ۳۴).

حال پرسش مقاله حاضر این است که با توجه به این تغییرات دائمی، چه آن تغییراتی که در محور زمان اتفاق می‌افتد و چه تنوعاتی که در یک برش زمانی خاص در میان گروه‌های مختلف کاربر زبان وجود دارد، وظیفه فرهنگ‌نگاران چیست و دقیقاً کدام الگوها و کدام کاربردها باید در فرهنگ‌نامه‌ها ثبت شوند؟ در این مقاله تلاش بر این است تا با استفاده از رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی به این پرسش پاسخ داده شود.

## ۱- معرفی زبان‌شناسی شناختی اجتماعی

پیش از آنکه این رویکرد رسماً پا به عرصه مطالعات زبانی بگذارد، پژوهشگران متعددی از لزوم تلفیق آموزه‌های دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی سخن گفته‌اند. مثلاً لانگاکر<sup>۳</sup> (۱۹۹۹: ۳۷۶) تأکید می‌کند که لازم است زبان‌شناسی شناختی به حوزه‌های گفتمان و تعامل اجتماعی هم بپردازد. تأکید بر ماهیت پویای ساختارهای مفهومی و دستوری، ما را به پویایی گفتمان و تعامل اجتماعی رهنمون می‌کند. اگرچه هر دو حوزه از ابتدا بخشی از دستور شناختی محسوب می‌شده‌اند، اما قطعاً اهمیتی را که شایسته آن بوده است دریافت نکرده‌اند. به این ترتیب، طی سال‌های اخیر، پژوهشگران زیادی بر لزوم به کارگیری رویکردهایی که اهداف و روش‌شناسی دو چارچوب زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی را به هم نزدیک‌تر کند تأکید کرده‌اند؛ مهم‌تر اینکه این پژوهشگران خود گام‌های مهمی در جهت مطالعات تجربی و میدانی در ابعاد اجتماعی زبان‌شناسی شناختی برداشته‌اند.

<sup>1</sup> What is to Be Learned: The Community as the Focus of Social Cognition

<sup>2</sup> outward bound

<sup>3</sup> Langacker, R.

## ۲- پیشینه

قبل از ارائه تعریفی از رویکرد فوق و به منظور هرچه آشنا تر شدن ذهن خواننده خلاصه‌ای از آثار مهم نوشته شده در این رویکرد ذکر می‌شود.

در سال ۲۰۰۸ کتابی تحت عنوان *زبان‌شناسی شناختی اجتماعی: تنوعات زبانی، الگوهای فرهنگی، نظام‌های اجتماعی*<sup>۱</sup> چاپ شد که مشتمل بر مقالاتی در این چارچوب بود که ویراستاران آن گیتته کریستینسن<sup>۲</sup> و رنه دیرون<sup>۳</sup> بودند. اهمیت این کتاب آن است که نخستین کتابی بود که صراحتاً نام «زبان‌شناسی شناختی اجتماعی» را بر پیشانی خود داشت.

در مقاله «پیش نمونه‌ها، کلیشه‌ها، و هنجارهای معنایی»<sup>۴</sup> از این کتاب، دیرک گیررتس (۲۰۰۸)<sup>۵</sup> ادعا می‌کند مطالعات بر روی مفهوم نوع نخست<sup>۶</sup>، باید مفهوم جامعه زبانی همگن<sup>۷</sup> را کنار بگذارد. به این معنا معنا که مفهوم نوع نخست ممکن است با تغییر مولفه‌های اجتماعی مثل سن و جنسیت دستخوش تغییر شود.

کریس هایلن<sup>۸</sup>، جوزه تامرز<sup>۹</sup> و دیرک گیررتس (۲۰۰۸) در مقاله خود در همین مجموعه با عنوان «مقالات روش شناختی در مورد زبان‌شناسی شناختی کاربرد-محور» در مورد مسائل روش شناختی این رویکرد مباحثی را مطرح می‌کنند.

دیرک اسپیلمن<sup>۱۰</sup>، استفان گروندلرز<sup>۱۱</sup> و دیرک گیررتس (۲۰۰۸) در مقاله خود در کتاب مجموعه مقالات فوق توزیع متفاوت er (معادل there انگلیسی) را در آغاز جملات در گونه‌های مختلف زبان هلندی بر اساس متغیر اجتماعی گونه جغرافیایی مورد بررسی قرار داده‌اند. دیرک اسپیلمن، استفان گروندلرز و دیرک گیررتس هم بر روی فهرست بسامدی استفاده از واژه‌ها در پیکره کار کرده‌اند و نتایج-شان بیان‌گر تفاوت‌های برجسته هم در سیاق<sup>۱۲</sup> و هم در گونه مورد استفاده (هلندی هلند و هلندی بلژیک) از زبان مورد مطالعه آنها است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> Cognitive Sociolinguistics, Language Variation, Cultural Models, Social Systems

<sup>2</sup> Kristiansen, G.

<sup>3</sup> Dirven, R.

<sup>4</sup> Prototypes, Stereotypes, and Semantic Norms

<sup>5</sup> Geeraerts, D.

<sup>6</sup> prototype

<sup>7</sup> homogeneous

<sup>8</sup> Heylen, K.

<sup>9</sup> Tummers, J.

<sup>10</sup> Speelman, D.

<sup>11</sup> Grondelares, S.

<sup>12</sup> register

یکی دیگر از مهم‌ترین آثار در چارچوب زبان‌شناسی شناختی اجتماعی مجموعه مقالات با عنوان *زبان‌شناسی شناختی اجتماعی: تنوعات فرهنگی و اجتماعی در شناخت و زبان*<sup>۱</sup> است که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد که ویراستاران آن مارتین پوتز<sup>۲</sup>، جوستینا رابینسون<sup>۳</sup>، و مونیکا ریف<sup>۴</sup> بودند. در مقدمه این کتاب، ویراستاران چنین می‌گویند که ظهور زبان‌شناسی شناختی اجتماعی را نباید صرفاً یک هیجان بینارشته‌ای موقتی و زودگذر دانست، بلکه این رویکرد بخشی از یک چرخش اجتماعی<sup>۵</sup> است که در تمام علوم شناختی مشهود است.

کتاب مهم دیگری که در چارچوب زبان‌شناسی شناختی اجتماعی منتشر شد کتابی از مجموعه مقالات تحت عنوان *پیشرفت‌هایی در زبان‌شناسی شناختی اجتماعی*<sup>۶</sup> به ویراستاری دیرک گیرترس، گیتته کریستینسن، و پیرسمن<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) است. از این کتاب به دو مقاله زیر اشاره می‌شود.

## ۲-۱- مقاله آگوستا سوارز دسیلوا

دسیلوا<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) در این مقاله با عنوان «اندازه‌گیری و پارامتربندی هم‌گرایی و واگرایی واژگانی بین پرتغالی اروپایی و برزیلی»<sup>۹</sup> با پیروی از مدل مقاله گیرترس، گروندلرز، و اسپیلمن بر روی دو گونه جغرافیایی هلندی، واژگان دو گونه زبان پرتغالی (گوش اروپایی و گوش برزیلی) دو حوزه معنایی واژه‌های مربوط به لباس و واژه‌های مربوط به فوتبال را بررسی می‌کند و در پی آن است که ببیند اولاً آیا این دو گونه طی ۶۰ سال گذشته دچار هم‌گرایی واژگانی<sup>۱۰</sup> یا واگرایی واژگانی<sup>۱۱</sup> شده است، ثانیاً کدام پارامترهای زبانی در این فرایند تأثیرگذار است.

## ۲-۲- مقاله جوستینا رابینسون

جوستینا رابینسون (۲۰۱۰) در این مقاله در پی آن است که مزایای اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی در بررسی چندمعنایی واژگانی را نشان دهد. بحث وی مبتنی است بر تجزیه و تحلیل کاربرد - محور چندمعنایی صفت انگلیسی "awesome" در جامعه زبانی. نتایج وی نشان می‌دهد که چندمعنایی، چه در سطح مفهومی و چه در سطح زبان‌شناسی اجتماعی، پدیده‌ای ثابت نیست بلکه امری انعطاف‌پذیر است. وی در مقاله خود نشان می‌دهد که شبکه معنایی صفت "awesome" نزد همه گویشوران

<sup>1</sup> Cognitive Sociolinguistics, Social and Cultural Variation in Cognition and Language Use

<sup>2</sup> Pütz, M.

<sup>3</sup> Robinson, J.A.

<sup>4</sup> Reif, M.

<sup>5</sup> social turn

<sup>6</sup> Advances in Cognitive Sociolinguistics

<sup>7</sup> Piersman, Y.

<sup>8</sup> Da Silva, A.S.

<sup>9</sup> Measuring and Parameterizing Lexical Convergence and Divergence Between European and Brazilian Portuguese

<sup>10</sup> lexical convergence

<sup>11</sup> lexical divergence

انگلیسی زبان یکسان نیست بلکه متغیرهای اجتماعی نظیر جنسیت، سن و غیره می‌توانند در آن تأثیرگذار باشند. در این مقاله به طور خاص نقش متغیر سن در شبکه معنایی گویشور از صفت مورد نظر بررسی می‌شود.

### ۳- تعریف زبان‌شناسی شناختی اجتماعی

زبان‌شناسی شناختی اجتماعی حوزه‌ای نوظهور در تحقیقات زبان‌شناسی است که به دنبال انجام تحقیقاتی در ابعاد شناختی اجتماعی زبان در سطحی کاربرد- محور است (گیررتس، کریستینسن و پیرسمن، ۲۰۱۰: ۱). تأکید اصلی زبان‌شناسی شناختی اجتماعی بر تحقیق روی تنوعات کاربرد- محور<sup>۱</sup> تجربی و نیز به تبع آن روش‌شناسی مطالعاتی تجربی است. به دیگر سخن، در زبان‌شناسی شناختی اجتماعی از چشم انداز نظری، جنبه‌های مفهومی و اجتماعی تنوعات درون زبانی<sup>۲</sup> بررسی می‌شود. از منظر روش شناختی نیز این رویکرد جدید بر پایه تجربه‌ای که حاصل به کار بستن روش‌های پیشرفته پیکره بنیاد<sup>۳</sup> و تحقیقات میدانی و تجربی است، استوار است.

همچنین زبان‌شناسی شناختی اجتماعی با به کار بستن این دو منظر به دنبال کشف ابعاد چندمتغیره<sup>۴</sup> متغیره<sup>۴</sup> و پیچیده‌ای است که با استفاده از متغیرهای اجتماعی در معنای مفهومی<sup>۵</sup> تأثیر می‌گذارند. زبان- زبان‌شناسی شناختی اجتماعی را می‌توان تلاشی برای دستیابی به هم‌گرایی زبان‌شناسی شناختی و رویکرد اجتماعی به زبان دانست (گیررتس، کریستینسن، و پیرسمن، ۲۰۱۰: ۲). در این چارچوب تلاش می‌شود با استفاده از نمونه‌هایی که به صورت طبیعی از پیکره‌های مأخوذ از افراد جامعه به دست می‌آید به مطالعه مفاهیم زبان‌شناسی شناختی که برگرفته از شناخت انسان از محیط پیرامون خود است پرداخته شود.

### ۴- اصول زبان‌شناسی شناختی اجتماعی برای نگارش فرهنگ‌نامه‌ها و

#### کاربرد آن

ایجاد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی به عنوان شاخه جدیدی از زبان‌شناسی شناختی به سخنرانی دوران- ساز گیررتس و نیز استفاده دیرون از این اصطلاح در سال ۲۰۰۵ بازمی‌گردد. البته جورج لیکاف هم در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۱ از عبارت زبان‌شناسی شناختی اجتماعی استفاده کرده است (به نقل از دیرون، ۲۰۰۵). برخی از اصول زبان‌شناسی شناختی اجتماعی که برای این مقاله (یعنی فرهنگ‌نگاری<sup>۶</sup>) مهم‌تر هستند به قرار زیر است:

<sup>1</sup> usage- based

<sup>2</sup> interlanguage variations

<sup>3</sup> corpus- based

<sup>4</sup> multi-variational

<sup>5</sup> conceptual meaning

<sup>6</sup> lexicography

الف) زبان‌شناسی شناختی اجتماعی بخشی از پارادایم کاربرد-محور است. بنابراین فرهنگ‌نگاری در این چارچوب مستلزم استفاده از مثال‌های متنی واقعی<sup>۱</sup> برای همه مدخل‌ها است. بافت زبانی که یک واحد واژگانی در آن واقع می‌شود باید بتواند معنا و در صورت امکان اطلاعات فرهنگی مربوط به آن را آشکار بنمایاند.

ب) با پذیرفتن اصل مهم کاربرد-محور بودن زبان، می‌توان نتیجه گرفت که «نظام زبانی» یکپارچه نیست بلکه مفهوم کاربرد-محور بودن زبان، خود موجب به رسمیت شناختن تنوعات درون زبانی می‌شود، تنوعاتی از آن دست که طی چند دهه گذشته مورد مطالعه زبان‌شناسان اجتماعی بوده است (گیررتس، کریستینسن، و پیرسمن ۲۰۱۰: ۶). تنوع و تغییرپذیری به شیوه‌ای الگومند با عوامل اجتماعی، مانند منطقه زندگی، سن، جنسیت، قومیت، وضعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی ارتباط دارد که از آن به تنوع زبانی اجتماعی<sup>۲</sup> تعبیر می‌شود (لوکاس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). هرچند طی یک دهه گذشته مطالعات رو به رشدی در زبان‌شناسی شناختی بر روی تنوعات درون زبانی صورت گرفته است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار کریستینسن (۲۰۰۳)، گیررتس (۲۰۰۵)، کریستینسن و دیرون (۲۰۰۸)، و نیز کرافت<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) یافت، این حوزه هنوز به طور کافی مطالعه نشده است.

پ) طبق یکی از اصل‌های مهم زبان‌شناسی شناختی که در زبان‌شناسی شناختی اجتماعی نیز صحت دارد، عبارات زبانی تحقق<sup>۵</sup> رواسختی اندیشه است. بنابراین، مدخل فرهنگ‌نامه باید مفهوم‌سازی‌های زیرنمایی یک عبارت را به صورت شفاف بیان کند، و اگر لازم است درک فرهنگی آن را هم شفاف سازد. منظور از مفهوم‌سازی<sup>۶</sup>، الگوهای شناختی طرح‌واره‌ای و نگاشت‌ها<sup>۷</sup> هستند که معمولاً در نظریه استعاره مفهومی<sup>۸</sup> بیان می‌شوند. البته اگر از منظر بینا فرهنگی قضیه را در نظر بگیریم، استفاده از عبارت «استعاره» استعاره مفهومی<sup>۸</sup> ممکن است به نفع یکی از فرهنگ‌ها جانبدارانه باشد، چرا که همین مفهوم برای فرهنگ دیگر ممکن است اصلاً استعاری نباشد. به همین دلیل است که اصطلاح کلی‌تر «مفهوم‌سازی» را ترجیح می‌دهیم.

ت) این فرهنگ‌نامه‌ها باید مبتنی بر پیکره باشند. استفاده از پیکره برای طراحی فرهنگ‌نامه‌ها، افزودن بر اینکه مثال‌های متنی واقعی به دست می‌دهد، الگوهای زبانی فرهنگ وابسته را هم به ما نشان می‌دهد، یعنی همان الگوهایی که به شکل کلیشه‌های زبانی رخ می‌نمایند. همچنین از پیکره‌ها می‌توان برای استخراج مفهوم‌سازی‌ها و استعاره‌های زیربنایی اصطلاحات و کلیشه‌های زبانی و نیز تعیین میزان وقوع و

<sup>1</sup> authentic

<sup>2</sup> sociolinguistic variation

<sup>3</sup> Lucko

<sup>4</sup> Croft, W.

<sup>5</sup> realization

<sup>6</sup> conceptualization

<sup>7</sup> mapping

<sup>8</sup> conceptual metaphor

میزان قراردادی‌شدگی آنها استفاده کرد. به اعتقاد سونسن (۲۰۰۹: ۴۵)<sup>۱</sup> استفاده از پیکره‌های الکترونیکی در فرهنگ‌نگاری انقلاب محسوب می‌شود. رویکرد غالب در طی دوران، جمع‌آوری داده به مدد درون-نگری<sup>۲</sup> بوده است که البته این ریسک را نیز در خود دارد که ممکن است واقعیت زبانی جامعه‌گفتاری هدف را نادیده بگیرد.

## ۵- معرفی برخی رویکردهای زبان‌شناسی شناختی اجتماعی به فرهنگ‌نگاری

### ۵-۱- رویکرد ولف و پُلزنهاگن (۲۰۰۹)

ولف<sup>۳</sup> و پُلزنهاگن<sup>۴</sup> در کتاب خود تحت عنوان *انگلیسی‌های جهان: رویکردی زبان‌شناسی شناختی اجتماعی*<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) چنین مطرح می‌کنند که زبان‌شناسی شناختی، از همان آغاز بر نقش مفهوم‌سازی افراد افراد در شکل‌دهی به واقعیت اجتماعی- فرهنگی و نیز برعکس، متمرکز شده است. طی سال‌های اخیر، با به رسمیت شناخته شدن این نکته که موضوع مطالعه زبان‌شناسی، زبان طبیعی است، موضوع تنوع زبانی در زبان‌شناسی شناختی در کانون توجه قرار گرفته است. همان‌گونه که گیررتس (۲۰۰۳ و ۲۰۰۵) تأکید می‌کند، تعهد کاربرد محور بودن زبان‌شناسی شناختی لزوماً منجر به اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی می‌شود که بر مطالعه تنوع زبانی تأکید دارد. به این ترتیب ادغام نگاهی که بر مفهوم-سازی تأکید دارد با نگاهی که بر مطالعه تنوع زبانی تأکید دارد در یک رویکرد نظری جامع‌تر که در آن به تنوع زبانی به مثابه بیان تنوعات مفهومی نگریسته می‌شود، معقول به نظر می‌رسد. زبان‌شناسی شناختی اجتماعی، آن‌گونه که گیررتس (۲۰۰۳ و ۲۰۰۵) و دیرون (۲۰۰۵) تعریف می‌کنند مجهز به سازوکارهای نظری غنی زبان‌شناسی شناختی است و به لحاظ روش شناختی هم با رویکردهای تجربی متنوعی قابل جمع است. با این وجود، به طور خاص، انضمام زبان‌شناسی پیکره‌ای در درون رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی، در کنار دیگر روش‌های زبان‌شناسی شناختی «ستی» است که ما را قادر می‌سازد به تجزیه و تحلیل دقیق تنوع زبانی در معنای گسترده آن بپردازیم. استفاده از روش‌های زبان-شناسی پیکره‌ای، به عنوان ابزارهای تجربی دقیق، زبان‌شناسی شناختی اجتماعی را از زبان‌شناسی فرهنگی<sup>۶</sup>، که شاخه دیگری از زبان‌شناسی شناختی است، متمایز می‌کند. از آنجایی که در هر دو رویکرد تنوعات مفهومی مطالعه می‌شود، تفاوت بیش از آنچه بر مبنای نوع برنامه پژوهشی باشد بر اساس روش-شناسی است (ولف و پُلزنهاگن، ۲۰۰۹: XI).

ولف و پُلزنهاگن در کتاب انگلیسی‌های جهان، رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی را مدل جدیدی

<sup>1</sup> Svensen, B.

<sup>2</sup> introspection

<sup>3</sup> Wolf, G.

<sup>4</sup> Polzenhagen, F.

<sup>5</sup> World Englishes: A Cognitive Sociolinguistics Approach

<sup>6</sup> Cultural linguistics

در درون حوزه مطالعاتی انگلیسی‌های جهان<sup>۱</sup> می‌دانند و معتقدند این رویکرد به طور خاص برای مطالعه بُعد فرهنگی تنوع، مفید خواهد بود. در این حوزه مطالعاتی، تنوع را می‌توان در درون گونه‌های مختلف یک زبان که همگی دارای هسته واژگانی مشترکی هستند مطالعه نمود، گونه‌هایی که هر یک در درون بافت فرهنگی متفاوتی استفاده می‌شوند و بنابراین می‌توان آنها را از منظر اجتماعی - فرهنگی با هم مقایسه کرد (ولف و پُلزنهاگن، ۲۰۰۹: XII). از نظر نویسندگان این کتاب، ادغام این دو چشم‌انداز فراتر از الهام‌هایی است که این دو رویکرد می‌توانند از هم بگیرند. در واقع ترکیب این دو رویکرد از نظر نویسندگان کتاب امری لازم و در واقع تحولی اجتناب‌ناپذیر بوده است (ولف و پُلزنهاگن، ۲۰۰۹: ۲).

## ۵-۲ - رویکرد ولف و پُلزنهاگن (۲۰۱۴)

گئورگ ولف و فرانک پُلزنهاگن در سال ۲۰۱۴ مقاله مهم دیگری را با عنوان «زبان‌شناسی شناختی اجتماعی در فرهنگ‌نامه‌های گونه‌های متفاوت زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم»<sup>۲</sup> به نگارش درآوردند که در زمره پیشروترین مقالات در باب بررسی فرهنگ‌ها از منظر زبان‌شناسی شناختی اجتماعی است. آنان در مقاله خود آورده‌اند که در چند دهه اخیر شاهد انضمام رویکردها و گرایش‌های نوین زبان‌شناسی در فرهنگ‌نگاری بوده‌ایم. یکی از این رویکردهای نوین زبان‌شناسی، رویکرد کاربرد محور است که نخستین کاربرد اصلی داده‌های پیکره کامپیوتری در فرهنگ پیشرفته انگلیسی کالینز کویلد<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۵ و کاربردهای بعدی و دیگر فرهنگ‌های انگلیسی به عنوان زبان اول را باعث شد. گرایش جدید دیگری که همزمان با گرایش قبلی بود و تحت تأثیر نظریه استعاره مفهومی رخ داد، ارائه اطلاعات مفهومی در فرهنگ‌های یک زبانه انگلیسی است. به عنوان نمونه، فرهنگ پیشرفته یادگیرندگان مک میلان<sup>۴</sup> (چاپ اول و دوم) به این واقعیت که درک استعاره‌های فرهنگ - ویژه و آگاهی از کاربرد استعاره استعاره برای یادگیری یک زبان خارجی بسیار مهم هستند، توجه خوبی نشان داده است.

حال با توجه به اینکه اکثر تعاملات در زبان انگلیسی به عنوان زبان میانجی<sup>۵</sup> توسط کسانی رخ می‌دهد که انگلیسی را به عنوان زبان دوم می‌آموزند (کاپرو<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴)، ارائه اطلاعات مفهومی نه فقط برای فرهنگ‌های زبان اول و یا فرهنگ‌نامه‌های یادگیرندگان<sup>۷</sup>، بلکه همچنین و حتی بیشتر برای فرهنگ‌نامه‌های انگلیسی به عنوان زبان دوم یا گونه‌های زبان انگلیسی ضروری است. در مقاله مذکور نویسندگان با ادامه مسیر پژوهش خود در ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲، با طرح نمونه‌هایی از فرهنگ‌های فرهنگ‌نامه انگلیسی هنگ کنگ<sup>۸</sup> نشان می‌دهند که از یک سو چگونه اطلاعات مفهومی که در یک فرهنگ خاص مهم هستند را می‌توان در فرهنگ‌نامه‌ها تصریح کرد و از سوی دیگر چگونه می‌توان پیوندهای مفهومی

<sup>1</sup> World Englishes (WE)

<sup>2</sup> Cognitive Sociolinguistics in L2-Variety Dictionaries of English

<sup>3</sup> Collins Cobuild Advanced Dictionary

<sup>4</sup> Macmillan English Dictionary for Advanced Learners

<sup>5</sup> lingua franca

<sup>6</sup> Kachru, B.

<sup>7</sup> Learner's dictionaries

<sup>8</sup> A dictionary of Hong Kong English (Cummings & Wolf 2011)



بین اقلام واژگانی را قابل بازیابی<sup>۱</sup> کرد. نمونه‌ها نشان می‌دهند که اصطلاحات و عبارات ثابت و کلیشه-ای<sup>۲</sup> - که همواره برای فرهنگ‌نویسان مشکل‌آفرین بوده‌اند - از طریق طرح فرهنگ‌نامه‌های تصویری پیشنهاد شده قابل تبیین می‌شوند.

نویسندگان مقاله مذکور، رویکرد خود را رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی می‌دانند، چراکه رویکرد استعاره مفهومی را با مطالعه گونه‌های منطقه‌ای زبان انگلیسی، به طور خاص انگلیسی هنگ-کنگی، تلفیق کرده‌اند. تجزیه و تحلیل انجام شده در مقاله مذکور هم از طریق داده‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای در این گونه زبان انگلیسی تقویت شده است. نویسندگان در مقدمه مقاله خود خاطر نشان می‌کنند که در بخش اعظم قرن بیستم، فرهنگ‌نگاری حکم فرزند ناتنی زبان‌شناسی را دارد و یا به گفته بیچوین<sup>۳</sup> (۲۰۰۰: ۱) خویشاوند دور زبان‌شناسی بوده است. مثلاً در پارادایم زایشی، واژه‌شناسی کاربردی و فرهنگ‌نگاری از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نبود و توجه بسیار کمی را به خود معطوف داشته است (بیچوین، ۲۰۰۰: ۱۶۹).

به طور کلی می‌توان گفت در گذشته شکاف فزاینده‌ای بین عرصه نظریه‌پردازی در زبان‌شناسی و عرصه عملی فرهنگ‌نگاری وجود داشت و کمتر تلاشی در پر کردن این شکاف دیده می‌شد. با این وجود طی چند دهه گذشته، علم زبان‌شناسی دچار تغییرات عمده‌ای شده است و پارادایم‌های زبان‌شناختی جدیدی ایجاد شده‌اند. به عنوان نمونه با ظهور زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی جایگاه مهمی در نظریه زبان‌شناسی پیدا کرده است و از سوی دیگر با ظهور پارادایم انگلیسی‌های جهان، توجه به گونه‌ها و ویژگی‌های منطقه‌ای و جغرافیایی زبان بیشتر شده است. در نتیجه، تغییر در دانش زبان فرهنگ‌نویسان منجر به ظهور انواع مختلف فرهنگ‌های جدید و رویکردهای نوین در فرهنگ‌نگاری شده است (گیررتس، ۲۰۰۷).

هدف نویسندگان مقاله مورد بحث روشن شدن نقش زبان‌شناسی شناختی اجتماعی در فرهنگ‌نگاری بود، مخصوصاً در نوشتن فرهنگ‌نامه‌های انگلیسی به عنوان زبان دوم که خود حیطه‌ای کمتر مطالعه شده و کمتر کاویده شده در فرهنگ‌نگاری است. در واقع نویسندگان، پژوهش خود را گامی در جهت تلفیق رویکرد زبان‌شناسی شناختی اجتماعی با پارادایم انگلیسی‌های جهان می‌دانند (وُلف، ۲۰۰۸ و وُلف و پلزنهاگن، ۲۰۰۹).

این مقاله که جهت‌گیری زبان‌شناسی شناختی اجتماعی دارد، چند نگاه در زبان‌شناسی و فرهنگ‌نگاری را در خود منضم می‌کند که شامل رویکردهای کاربرد محور و به طور خاص مبتنی بر پیکره، کدگشایی زبانی اطلاعات مفهومی مهم در یک فرهنگ خاص به ویژه در اصطلاحات خاص زبانی، و گسترش فرهنگ‌نامه‌های انگلیسی به عنوان زبان دوم است. نویسندگان در ادامه مقاله، نخست دو نمونه از رویکردهای کاربرد محور به تألیف فرهنگ‌نامه‌های انگلیسی را برمی‌شمرند که عبارتند از فرهنگ

<sup>1</sup> retrievable

<sup>2</sup> fixed expressions & idioms

<sup>3</sup> Bejoint, H.

کوبیلد کالینز (۱۹۹۵) و فرهنگ تلفظ لانگمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸). ایشان معتقدند این دو فرهنگ‌نامه توانسته‌اند حیطة فرهنگ‌نگاری را متحول کنند.

نویسندگان در ادامه تلاش می‌کنند مزایای ذکر اطلاعات مفهومی و فرهنگی در فرهنگ‌نامه‌ها، به ویژه فرهنگ‌نامه‌های یادگیرندگان را برشمارند و نمونه‌ای از تلاش‌های اولیه برای این کار را فرهنگ انگلیسی پیشرفته یادگیرندگان (۲۰۰۲) و (۲۰۰۷) می‌دانند و در نهایت با ذکر مثال‌هایی از انگلیسی آفریقایی جنوبی<sup>۲</sup> و فرهنگ‌نامه انگلیسی هنگ‌کنگ خود را تبیین می‌کنند. ایشان تأکید می‌کنند که طراحی فرهنگ‌نامه‌های زبان دوم مبتنی بر اصول زبان‌شناسی شناختی اجتماعی، هنوز در دوران طفولیت خود به سر می‌برد.

### ۵-۳- گیررتس و کویکنز (۲۰۰۷)

رابطه بین زبان‌شناسی شناختی و فرهنگ‌نگاری به طور کلی در گیررتس و کویکنز<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. گیررتس به سه جنبه اشاره می‌کند که تحت تأثیر نظریه زبان‌شناسی شناختی قرار دارد و در فرهنگ‌نویسی دارای اهمیت خاصی است. اهمیت اثرات نوع نخست بر ساختار واژگانی، ویژگی رام‌نشدنی / سرکش بودن<sup>۴</sup>، چندمعنایی، و بالاخره ماهیت نظام‌مند چندمعنایی (گیررتس و کویکنز، ۲۰۰۷: ۱۱۶۱).

طبق گفته نویسندگان، توجه به جنبه نخست را می‌توان در موارد زیر یافت:

(۱) استفاده از واژه‌هایی چون *usually, typically, especially* و *often* در تعریف‌های مدخل‌های فرهنگ‌ها، که مثلاً در نسخه لوح فشرده (۱۹۹۷) فرهنگ جدید کوچک انگلیسی آکسفورد<sup>۵</sup> دیده می‌شود.

(۲) کم‌رنگ شدن مرز بین فرهنگ‌ها و دانش‌نامه‌ها، مثلاً از جهت شامل شدن بر اسامی خاص و گستره اطلاعات معناشناختی.

نویسندگان یادآوری می‌کنند که در یکی از فرهنگ‌هایی که به طور خاص از اصول نظریه نوع نخست استفاده آشکار شده است فرهنگ جدید انگلیسی آکسفورد<sup>۶</sup> (۱۹۹۸ و ۲۰۰۱) است. با این حال، سرکش بودن چندمعنایی، اساساً به این بینش مربوط می‌شود که «تمایز بین معنای مختلف، لازم نیست کاملاً روشن و واضح باشد» (گیررتس و کویکنز، ۲۰۰۷: ۱۱۶۶). جنبه سوم، یعنی ماهیت نظام‌مند چندمعنایی، به این واقعیت اشاره دارد که ترتیب خطی آوردن معانی مختلف مدخل واژه‌های چندمعنا مطابق با ساختار معنایی چندبعدی واژه مورد نظر نیست (گیررتس و کویکنز: ۱۱۶۶-۱۱۶۸). از نظر نویسندگان، بینش‌هایی که آنها بدان اشاره کرده‌اند، در سنت فرهنگ‌نگاری به طور عادی هم رعایت

<sup>۱</sup> Longman Pronunciation Dictionary

<sup>۲</sup> South African English

<sup>۳</sup> Cuyckens, H.

<sup>۴</sup> intractability

<sup>۵</sup> The New Shorter Oxford English Dictionary

<sup>۶</sup> The New Oxford Dictionary of English

می‌شده‌اند، مگر آنکه فرهنگ‌نامه‌نگاران خود را در چنبره رویکرد ساختارگرایی محدود کرده باشند.

#### ۵-۴- شنایدر و مطالعه تنوعات کاربردی

مقاله شنایدر<sup>۱</sup> با عنوان «تنوعات کاربردی و الگوهای فرهنگی»<sup>۲</sup> که بر تنوعات کاربردشناختی بین گونه‌های ملی مختلف انگلیسی کشور بریتانیا، ایرلند، و ایالات متحده آمریکا تمرکز دارد، را می‌توان مطالعه‌ای تجربی در چارچوب کاربردشناسی متغیرگرا<sup>۳</sup> دانست. در این مقاله، چنین ادعا می‌شود که شیوه‌های تجربی مواردی چون تکلیف تولید گفتگو<sup>۴</sup> در رفتار کلامی واقعی گویشوران را که تحت شرایط خاص موقعیت ملموس اجتماعی رخ می‌نماید، نشان نمی‌دهند. آنچه این شیوه‌ها می‌توانند نشان دهند هنجارهای رفتاری زیربنایی جامعه گویشورانی است که آزمودنی به آن تعلق دارد. این هنجارها از برخوردهای مکرر فرد با رفتارهای کلامی مشابه در موقعیت‌های اجتماعی از همان نوع، شکل می‌گیرند و الگوهای رفتاری نوع نخستی است که در دراز مدت در مدل‌های فرهنگی شکل می‌گیرند. این مدل‌های فرهنگی مشخص می‌کند که در هر نوع موقعیت مفروض چه چیز درست قلمداد می‌شود و انتظار چه چیز را می‌توان داشت. به طور خاص، مشخص می‌کنند که چه چیز را چه زمانی و چگونه می‌توان گفت.

نویسنده در ابتدای مقاله با ذکر نمونه‌ای از یک سوء تفاهم زبانی بین گویشوران دو زبان مختلف، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که گویشوران زبان‌های متفاوت، درک متفاوتی از کنش‌های گفتاری مانند دعوت، پیشنهاد، تعارف، و...، و به طور کلی نسبت به مفاهیمی چون صداقت و ادب دارند. این دقیقاً همان مفهومی است که ویلیام بی‌من<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) در کتاب *زبان، قدرت و جایگاه اجتماعی در ایران*<sup>۶</sup> نیز به آن اشاره می‌کند.

نویسنده مقاله مذکور چنین ادامه می‌دهد که این سوء تفاهم‌ها مختص و منحصر به گویشوران زبان‌های مختلف نیست و می‌توان بین گونه‌های مختلف یک زبان مثلاً انگلیسی اسکاتلندی و انگلیسی نیوزیلندی هم نمونه‌هایی از این سوء تفاهم‌ها دید. یعنی اگرچه این گویشوران به یک زبان سخن می‌گویند اما لزوماً درک مشترکی از مفاهیم دعوت، ادب، و صداقت ندارند. این مشاهده به ما یادآور می‌شود که زبان و فرهنگ لزوماً یک چیز نیستند. همچنین یادآور می‌شود که زبان‌ها، پدیده‌هایی یکدست و یکپارچه نیستند، بلکه پدیده‌هایی ناهمگون‌اند و اینکه تنوعات کاربردشناختی نه فقط بین زبان‌های مختلف، بلکه در میان گونه‌های مختلف یک زبان هم دیده می‌شود.

در این مقاله تفاوت‌های کاربردشناختی بین سه گونه انگلیسی که در کشورهای مختلف استفاده می‌شود بررسی می‌شود. نتایج تجربی به دست آمده نشان می‌دهد که برخی ویژگی‌های کاربردشناختی به

<sup>1</sup> Schneider, K.

<sup>2</sup> Pragmatic Variation and Cultural Models

<sup>3</sup> variational pragmatics

<sup>4</sup> dialogue production task

<sup>5</sup> Beeman, W.

<sup>6</sup> Language, Status, and Power in Iran

طور یکنواخت توسط گویشوران یک گونه زبان، یعنی در درون یک جامعه اجتماعی - فرهنگی<sup>۱</sup> استفاده می‌شوند، اما از گونه‌ای به گونه دیگر تغییر می‌کنند. نویسنده تلاش می‌کند این تفاوت‌های کاربرد شناختی در درون یک زبان واحد را با استفاده از برخی نظریه‌های اجتماعی و شناختی تبیین کند. وی به طور خاص ادعا می‌کند که این تفاوت‌های کاربردشناختی بین گروه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی که به یک زبان واحد صحبت می‌کنند را می‌توان به مدل‌های فرهنگی حاکم بر تولید گفتمان شفاهی نسبت داد، چراکه این مدل‌های فرهنگی مشخص می‌کنند که کدام رفتار کلامی در یک موقعیت اجتماعی مفروض شایسته است.

در بخش بعدی این مقاله، نویسنده توضیحی در مورد چارچوب مطالعه خود به دست می‌دهد. وی چارچوب خود را کاربردشناسی متغیرگرا می‌داند که محل تلاقی کاربردشناسی و زبان‌شناسی اجتماعی است. وی کاربردشناسی متغیرگرا را این گونه تعریف می‌کند «مطالعه تنوعات کاربردشناختی درون زبانی». به طور دقیق‌تر، کاربردشناسی متغیرگرا، تجزیه و تحلیل نظام‌مند تأثیر عوامل محلی و اجتماعی بر زبان در عمل و در تعامل زبانی است. در حال حاضر، تحقیقات در این حوزه بیشتر بر تعامل عوامل اجتماعی کلان<sup>۲</sup>، مانند جنسیت و سن، و عوامل اجتماعی خرد<sup>۳</sup>، مانند قدرت یا فاصله، متمرکز است. تحقیقات کاربردشناسی متغیرگرا، از نوع تجربی است و موضوع مطالعه در آن را داده‌های تولید شده در شرایط طبیعی و البته همچنین داده‌های آزمایشگاهی تجربی<sup>۴</sup> تشکیل می‌دهند. داده‌های طبیعی از پیکره‌های بزرگ زبانی گرفته می‌شوند و داده‌های آزمایشگاهی شامل پرسش‌نامه، پروتکل‌های فکر کردن به شیوه بیان بلند<sup>۵</sup> و مصاحبه‌ها می‌شوند. پرسش‌نامه این تحقیق به جنبه‌های کاربردشناختی زبان، زبان، مثلاً اینکه در فلان موقعیت چه می‌گویند، یا به هنگام آغاز گفتگو با فرد دیگری چه می‌گویند، یا اینکه یک دیالوگ طراحی کنید و مواردی از این دست مربوط می‌شود.

آشنایدر در این پژوهش داده‌های خود را از طریق پرسش‌نامه ترکیبی به دست آورده که شامل چندین تکلیف<sup>۶</sup> بوده است؛ تکلیف‌هایی از نوع چندگزینه‌ای، کامل کردن متن و تولید دیالوگ به طور کامل. پرسش‌نامه در انگلستان، ایرلند، و ایالات متحده و در مجموع توسط ۳۰۷ نفر تکمیل شد که همگی گویشور زبان انگلیسی بودند. برای این مطالعه ۹۰ دیالوگ، یعنی ۳۰ دیالوگ توسط گویشوران انگلیسی در هریک از سه کشور انتخاب شدند که همگی این ۹۰ نفر نوجوان و دختر و متوسط سن آنها ۸-۱۴ سال بوده است.

نویسنده در اینجا به نکته جالبی اشاره می‌کند و آن اینکه در اکثر مطالعات میدانی اجتماعی (چه زبانی و چه حتی در دیگر رشته‌ها) محققان بر روی دانشجویان خود تحقیقات را انجام می‌دهند و به

<sup>1</sup> sociocultural community

<sup>2</sup> macro-social factors

<sup>3</sup> micro-social factors

<sup>4</sup> experimental

<sup>5</sup> think-aloud protocols

<sup>6</sup> task

همین دلیل ما در مورد گروه سنی دانشگاهی اطلاعات بیشتری داریم تا هر گروه سنی دیگر که از این جهت نیز می‌توان تحقیق حاضر را بدعتی در انتخاب معیارهای اجتماعی به حساب آورد. شایان ذکر است که برای خنثی کردن تأثیرات محلی، هر ۳۰ گویشور در هر کشور تنها از یک شهر انتخاب شدند و در شرایط اجتماعی یکسانی قرار داشتند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گویشوران انگلیسی در یک کشور واحد به شیوه‌های بسیار شبیه به هم عمل کرده‌اند، در حالی که بین سه گروه مختلف، تفاوت‌های چشمگیری مشاهده می‌شد. به منظور تبیین این شباهت‌ها و تفاوت‌ها، نویسنده مقاله فرض می‌کند که گویشوران انگلیسی در یک کشور دارای مدل فرهنگی مشترکی هستند، در حالی که گویشوران انگلیسی در کشورهای مختلف، اگرچه به یک زبان واحد سخن می‌گویند، اما مدل‌های فرهنگی متفاوتی دارند.

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اصلی این مقاله این بود که زبان‌شناسی شناختی اجتماعی در پیشبرد مطالعات فرهنگ‌نگاری چه نقشی می‌تواند داشته باشد. به باور نگارندگان دو اصل مهم زبان‌شناسی شناختی اجتماعی که یکی کاربرد محور بودن و دیگری تأکید بر تنوعات زبانی است، هر دو در فرهنگ‌نگاری به طور چشمگیری راهگشا هستند.

کاربرد محور بودن به رویکردهای نظری و روش‌شناختی اشاره دارد که بر داده‌های تجربی و طبیعی تکیه می‌کند که توسط گویشوران واقعی زبان یا گونه زبانی مورد نظر تولید شده‌اند. در حالت آرمانی، این داده‌ها به شکل پیکره‌های کامپیوتری گردآوری می‌شوند و بنابراین می‌توان به صورت الکترونیکی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (ولف و پُلزنهاگن، ۲۰۱۴: ۱۳۶).

اما در زبان‌شناسی شناختی اجتماعی بر اهمیت تنوعات زبانی که خود منتج از اتخاذ رویکرد کاربردمحور است تأکید می‌شود. اکثر تحلیل‌های زبانی و مقایسه‌های بین‌زبانی تاکنون در سطح «یک زبان» صورت گرفته است، به این معنا که در هر زبان مفهومی همگن تصور می‌شود و بدون در نظر گرفتن تنوعات درون زبانی غنی و پیچیده صورت پذیرفته است که در آن جامعه آرمانی و همگن متصور شده است. حال آنکه زبان‌شناسی شناختی اجتماعی به رویکردی کاربرد-محور به زبان و شناخت عنایت دارد که وجود تنوعات زبانی را به رسمیت می‌شناسد.

مدیریت و تدبیر کردن تنوع زبانی را شاید بتوان مهم‌ترین دشواری فرهنگ‌نویسی شمرد. در دوره‌های گذشته عموماً واژگان زبان ادبی و رسمی تنها الگوهای قابل ذکر در فرهنگ‌ها به شمار می‌رفتند و از این رو کار فرهنگ‌نویسان چندان دشوار نبود اما در دوره معاصر، فرهنگ‌ها به پوشش دادن الگوهای متنوع گونه‌های مختلف زبان متمایل شده‌اند. این امر و به ویژه نحوه اولویت دادن به یک الگو در مقابل الگوهای دیگر از چالش‌های همیشگی فرهنگ‌نویسان است (سارلی، ۱۳۹۲: ۷۱). در برخورد با این مسائل، فرهنگ‌نگاران کار خطیری در پیش دارند یعنی ثبت ظرایف تنوعات کاربردی، تنوعات گویشی، تنوعات کاربردی، سایه روشن‌های معنایی، و در خصوص مدخل‌های چندمعنا، به ترتیب آوردن معانی مختلف، چگونگی ثبت معنای نوع نخست و غیره. اینها تنها پاره‌ای از مسائل

متعددی‌اند که در فرهنگ‌هایی که در چارچوب زبان‌شناسی شناختی اجتماعی نوشته می‌شوند باید مد نظر قرار گیرند. اما چگونه می‌توان همه این تنوعات و ظرائف را در یک فرهنگ جمع کرد؟ به نظر می‌رسد این نوع فرهنگ‌ها بسیار غنی‌تر از فرهنگ‌هایی باشد که در حال حاضر در دسترس ما قرار دارند. شاید هم نتوان همه این اطلاعات را تنها در یک فرهنگ گردآوری کرد. پاسخی که این مقاله، پیشنهاد می‌کند این است که فرهنگ‌نویسان باید مشخص کنند در یک فرهنگ بخصوص دقیقاً چه اطلاعاتی را می‌خواهند بیاورند، به عبارت دیگر فرهنگ‌هایی که در رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی شناختی نوشته می‌شوند بیشتر تخصصی خواهند بود. این نتیجه هم‌راستا با سخن زبان‌شناس برجسته، علی محمد حق‌شناس، است که گفته است «فرهنگ‌نویس باید موضوع کار خود و حدود آن را از پیش معین کند» (حق‌شناس، ۱۳۷۰: ۳۹۱).

## منابع

- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۰). مقالات ادبی، زبان‌شناخت. تهران: انتشارات نیلوفر.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۹۲). جنبه‌های اجتماعی فرهنگ نویسی، فرهنگ نویسی، ش ۵-۶ صص. ۶۶-۷۴.
- Beeman, W. (1986). *Language, Status, and Power in Iran*. Indiana University Press.
- Bejoint, H. (2000). *Modern Lexicography: An Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Croft, W. (2009). "Towards a Social Cognitive Linguistics". In: *New Directions in Cognitive Linguistics*, Evans, Vyvyan, and Pourcel, Stéphanie, (eds.), 395- 420. Amsterdam: Benjamins.
- Da Silva, A. S. (2010). "Measuring and Parameterizing Lexical Convergence and Divergence between European and Brazilian Portuguese". In: Geeraerts, D., G. Kristiansen, and Y. Peirsman (eds.). *Advances in Cognitive Sociolinguistics*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Dirven, R. (2005). "Major Strands in Cognitive Linguistics". In: F. J. Ruiz de Mendoza Ibanez & M. S. P. Cervel (eds.). *Cognitive Linguistics: Internal Dynamics and Interdisciplinary interaction*, (pp. 17-68). Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Geeraerts, D. (2003). 'Usage-based' Implies 'Variational': On the Inevitability of Cognitive Sociolinguistics. Plenary Lecture Presented at the 8<sup>th</sup> International Cognitive Linguistics Conference: Cognitive Linguistics, Functionalism, Discourse Studies: Common Ground and New Directions. Logrono, July 20- 25, 2003.
- Geeraerts, D. (2005). "Lectal Variation and Empirical Data in Cognitive Linguistics". In: F. J. Ruiz de Mendoza Ibanez & M. S.

- P. Cervel (eds.). *Cognitive Linguistics: Internal Dynamics and Interdisciplinary Interaction*, (pp.163-189). Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Geeraerts, D. and Hubert Cuyckens (eds.). (2007). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Geeraerts, D.(2008). "Prototypes, Stereotypes, and Semantic Norms". (2008). In: *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*. Berlin, New York: Mouton De Gruyter.
- Geeraerts, D.; Kristiansen, G. and Yves. Peirsman (eds.). (2010). *Advances in Cognitive Sociolinguistics*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Grondelaers, S.; Speelman, D. and Dirk Geeraerts. (2008). "National Variation in the Use of Er "there". Regional and Diachronic Constraints on Cognitive Explanations. In: *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*, Edited by: Kristiansen, Gitte, and Rene Dirven. Berlin, New York: Mouton De Gruyter.
- Heylen, Kris; Tummers, Jose' and Dirk Geeraerts. (2008). "Methodological Issues in Corpus-based Cognitive Linguistics". In: *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*, Edited by: Kristiansen, Gitte, Dirven, Rene'. Berlin, New York: Mouton De Gruyter.
- Kachru, Braj B. (1994). "The Speaking Tree: A Medium of Plural Canons". In: James E. Alatis (eds.), *Educational Linguistics, Cross-Cultural Communication, and Global Inter-dependence*, 6-22. [Georgetown University Round Table on Language and Linguistics 45]. Georgetown, Georgetown University Press.
- Kristiansen, G. (2003). "How to Do Things with Allophones: Linguistic Stereotypes as Cognitive Reference Points in Social Cognition". In: R. Dirven, R. Frank & M. Pütz (Eds.), *Cognitive Models in Language and Thought: Ideology, Metaphors, and Meaning* (pp. 69-120). Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Kristiansen, G. and Rene Dirven. (eds.). (2008). *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Labov, W. (2014). "What Is to be Learned: The Community as the Focus of Social Cognition", *Cognitive Sociolinguistics: Social & Cultural Variation in Cognition and Language Use/* Edited by

- Martin Pütz et. al, John Benjamins Publications, pp. 23-53.
- Langacker, R. (1999). *Grammar and Conceptualization*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Lucas, C. (2003). "The Role of Variation in Lexicography". In: *Sign Language Studies*, Vol. 3, No. 3, p 322-340.
- Pütz, M.; Robinson J.A. and M. Reif (eds.). (2014). *Cognitive Sociolinguistics: Social & Cultural Variation in Cognition and Language Use*. Edited by Pütz et al. John Benjamins Publications.
- Robinson, J. A. (2010). "Awesome insights into semantics variation". In: D. Geeraerts, G. Kristiansen & Y. Piersman (eds.), *Advances in cognitive sociolinguistics* (pp. 85-109). Berlin/ New York: Mouton de Gruyter.
- Schneider, K. P. (2014). "Pragmatic Variation and Cultural Models". In: *Cognitive Sociolinguistics: Social & Cultural Variation in Cognition and Language Use*. Edited by Pütz et al, John Benjamins Publications (pp. 107-133).
- Speelman, D.; Grondelaers, S. and Dirk Geeraerts(2008). "Variation in the Choice of Adjectives in the two Main Nationalities of Dutch". In: *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*, Edited by: Kristiansen, Gitte, Dirven, Rene'. Berlin, New York: Mouton De Gruyter.
- Svensén, Bo. (2009). *A Handbook of Lexicography. The Theory and Practice of Dictionary-Making*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wolf, H.-G. (2008). "A Cognitive Linguistic Approach to World Englishes: The Emergence of a New Paradigm". In: Gitte Kristian and Rene Dirven (Eds.), *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*. [Cognitive Linguistics Research]. Berlin- New York: Mouton de Gruyter.
- Wolf, H.-G. and F. Polzenhagen(2009). *World Englishes: A Cognitive Sociolinguistics Approach*: Mouton de Gruyter.
- Wolf, H.-G. and F. Polzenhagen(2014). "Cognitive Sociolinguistics in L2-Variety Dictionaries of English". In: *Cognitive Sociolinguistics: Social & Cultural Variation in Cognition and Language Use/ Edited by Pütz et al*, John Benjamins Publications (pp. 133-160).